

بایسته های حقوق جزای اختصاصی

جرایم علیه تمامیت جسمانی

مقدمه

به طور قطع مهم‌ترین جرائمی که باعث صدمات جسمانی می‌شود، صدماتی است که منتهی به مرگ مجنی علیه می‌گردد. قتل حسب این که عمدی یا شبه عمدی یا خطای محض یا در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی، غیرعمدی نامیده شود، مجازات آن متفاوت می‌باشد. همین اختلاف در مورد ضرب و جرح نیز جاری است. به طور کلی، قتل غیر عمدی، شبه عمدی، خطای محض و یا صدمه غیرعمدی و ضرب و جرح شبه عمد و خطای محض از نظر جزایی به غیر از اختلاف در نتیجه که موجب تفاوت در مجازات آنها می‌شود ماهیتاً وضع تقریباً مشابهی دارند؛ به همین جهت، صدمات بدنی به شرح زیر مورد بحث واقع می‌شوند:

مبحث اول - قتل عمدی

مبحث دوم - قطع عضو و ایراد ضرب و جرح عمدی

مبحث سوم - قتل و صدمات بدنی غیرعمدی (شبه عمد، خطای محض)

مبحث چهارم - شرکت و معاونت در قتل و صدمات بدنی

مبحث پنجم - سقط جنین یا سقط حمل

مبحث اول - قتل عمد

در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، بدون این که از قتل عمدی تعریفی به عمل آمده باشد به ذکر مصادیق آن اکتفا شده است.

محقق (ره) در تعریف قتل عمدی می‌فرماید «وَهُوَ إِذَا هَاقُ النَّفْسُ الْمَعْصُومَةُ الْمُكَافِئَةُ عَمْدًا وَ عُدْوَانًا»

یعنی قتل عمدی عبارت است از اخراج نفس و روح معصوم و مکافئه انسان به نحو عمد و عدوان به وسیله

شخص دیگر.

به نظر می‌رسد تعریف زیر برای قتل عمدی با قتل در سیستم‌های مختلف حقوقی هماهنگ باشد: «قتل عمدی، عبارت است از رفتار بدون مجوز قانونی و عمدی یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ دیگری شود.»

مبحث دوم - قطع عضو و ایراد ضرب و جرح عمدی

ایراد صدمات بدنی کمتر از قتل که موضوع آن انسان است به سه صورت ممکن است وقوع یابد: قطع عضوی از اعضای بدن انسان، جراحات وارده بر بدن، سر یا استخوان و ایراد ضرب عمدی.

ضرب و جرح غیرعمدی ضمن بررسی قتل غیرعمدی در مبحث سوم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در این مبحث که موضوع آن ایراد ضرب و جرح عمدی و قطع عضو است در صورتی که ایراد صدمات بدنی منتهی به قطع یا جرح یا کوفتگی عضو گردد، حسب مورد موجب قصاص و یا دیه است.

بسیاری از پرونده‌های مطروح در دادسراها و دادگاه‌های کیفری مربوط به ایراد ضرب و جرح است.

مبحث سوم - قتل و صدمات بدنی غیرعمدی

گاهی شخصی عالماً مرتکب جرم می‌شود یعنی در انجام رفتار ضد اجتماعی خویش قصد و عمد داشته ولی جرایم دیگری نسبت به جسم و جان انسان به عنوان قتل و ضرب و جرح غیرعمدی ارتکاب می‌شوند که با توسعه زندگی ماشینی دائماً رو به افزایش است و رقم قابل توجهی از پرونده‌های دادسراها و دادگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. در این قبیل جرایم رفتار شخص ممکن است به یک نتیجه ضد اجتماعی مانند قتل بیانجامد، در حالی که مرتکب در انجام رفتار آگاهی و اراده داشته است اما نتیجه‌ای که رخ داده هرگز مورد خواست وی نبوده است. مانند راننده‌ای که با سرعت غیرمجاز و بی احتیاطی از چراغ قرمز عبور و به عابری برخورد می‌کند و در نتیجه، تصادف به مرگ عابر می‌انجامد، در حالی که چنین قتلی هرگز مورد خواست و قصد و اراده راننده نبوده است.

در چنین مواردی قصد و سوء نیت منتفی و خطای جزایی و یا تقصیر، پایه مسئولیت کیفری را تشکیل می‌دهد.

مبحث چهارم - شرکت و معاونت در قتل و صدمات بدنی

شریک در قتل و صدمات بدنی همانند مباشر مادی در جرایم مزبور به کسی اطلاق می‌شود که شخصاً در انجام عملیات اجرایی و تشکیل دهنده جرم، شرکت مستقیم داشته باشد. هر شریک یک مباشر توصیف و مجازات مباشر را دارد.

مبحث پنجم - سقط جنین یا سقط حمل

علی‌الاصول تصمیم‌گیری در مورد داشتن یا نداشتن بچه باید پیش از حاملگی انجام شود نه بعد از آن. مع هذا گاهی به این امر توجهی نگردیده و زوجین به جای انتخاب روشی مناسب برای جلوگیری از بچه‌دار شدن، بعد از انعقاد نطفه مبادرت به سقط عمدی جنین یا حمل خود می‌نمایند. در حقوق ایران سقط جنین یا سقط حمل از همان مراحل اولیه استقرار نطفه قابل مجازات است.

جرایم بر ضد شخصیت معنوی افراد

جرایم مورد بحث، جرایمی هستند که موجب ورود ضرر و زیان معنوی، اخلاقی یا حیثیتی نسبت به قربانی جرم می‌گردد. ولی ممکن است صدمه معنوی با صدمه بدنی همراه باشد، مثل توقیف غیرقانونی که مرتکب قبل از هر چیز در صدد محروم ساختن فیزیکی مجنی علیه از آزادی وی است که در این صورت، صدمه جسمانی در درجه اهمیت قرار دارد. هم‌چنین صدمه معنوی می‌تواند به نتیجه‌ای غیرمستقیم مثل اختلال روانی شخص مورد توهین و فحاشی منتهی گردد.

وقوع جرایم موضوع این فصل، در سیستم قضایی جوامع مختلف کنونی جایگاه مهم و ویژه‌ای را به خود

اختصاص داده است.

مبحث اول - آدم ربایی و مخفی کردن ربوده شده

به موجب ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج سال تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد». تبصره ماده ۶۲۱ قانون مزبور نیز مجازات شروع به ربودن را مستوجب سه تا پنج سال حبس می‌داند.

با وجود این، ربودن انسان، به حکم قانون، موضوع جرمی است که اصطلاحاً آن را «آدم ربایی» می‌نامند. ماهیت جرم آدم ربایی، سلب آزادی از شخص مجنی علیه است ولذا با جرایم حبس و توقیف غیرقانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا.ت وجه اشتراک دارد.

در ماده ۶۳۱ ق.م.ا.ت نیز آمده است: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بود، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد».

مبحث دوم - توقیف و بازداشت غیرقانونی و حبس

از جرایم دیگر بر ضد آزادی اشخاص که همراه با خشونت و عنف انجام می‌گیرد، جرم توقیف، حبس و بازداشت غیرقانونی است. اعلامیه‌های جهانی مربوط به حقوق بشر و قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف،

احترام به آزادی اشخاص را مورد توجه قرار داده و ضمانت اجرای کیفری را نسبت به موارد نقض آن تعیین کرده‌اند.

ماده ۵۸۳ ق.م.ا.ت مقرر می‌دارد: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها، بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

مبحث سوم - سلب آزادی به مناسبت شغل و مقام دولتی و عمومی

حکم کلی سلب آزادی اشخاص به مناسبت شغل دولتی یا مقام عمومی مملکتی در مواد ۵۷۵ و ۵۷۱ و ۵۷۰ ق.م.ا.ت پیش‌بینی شده است.

مبحث چهارم - تهدید اشخاص (اخاذی و یا اخذ مال به عنف یا شانتاژ)

تهدید عبارت است از «بیان رفتار بد نامشروعی که مرتکب می‌خواهد آن را انجام دهد».

موقعیت «تهدید» در حقوق جزای عمومی با موقعیت تهدید در حقوق جزای اختصاصی تفاوت دارد. در حقوق جزای عمومی، تهدید یکی از مصادیق معاونت در جرم است. به طوری که وقتی معاون جرم، مباشر را مصمم به ارتکاب جرم نماید، به تبع مباشر جرم معاون نیز حداقل کیفر را خواهد داشت. در حقوق جزای اختصاصی، «تهدید» گاهی به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده جرم است. مانند شانتاژ و اخاذی و گاهی از کیفیات مشدده جرایم دیگری مانند زنا به عنف و اکراه و یا هتک ناموس و یا سرقت همراه با تهدید (بند ۵ ماده ۶۵۱ ق.م.ا.ت) محسوب می‌شود.

«تهدید» به عنوان جرم مستقل و متمایز از سایر جرایم با پیش‌بینی قانونگذار به شرح زیر مطرح است.

تهدید، همیشه به صورت صدمه و لطمه بر نظم اخلاقی مجنی علیه و مستقل و جدای از موضوع آن تحقق

می‌پذیرد. در واقع برای ایجاد تشویش و نگرانی و مضطرب ساختن دیگری و با ورود ضرر بر نظم اخلاقی است که مجنی علیه به ضرب و شتم یا حریق و انفجار خانه و یا حتی به ورود خسارات جانی و مالی تهدید می‌شود.

مبحث پنجم - صدمات معنوی علیه اطفال

همان طور که بعضی از رفتارها، تمامیت جسمانی دیگری را به خطر می‌اندازد، بعضی از رفتارها نیز موجب خطر بر ضد شخصیت معنوی افراد دیگر می‌گردد. معمولاً افراد بالغ بیش از ۱۸ سال، در قبال رفتارهای اختیاری و شخصی خود از جهت حیثیتی و اخلاقی کمتر آسیب‌پذیر هستند و لذا قانونگذار فقط رفتارهایی را که موجب می‌شود تا امنیت اخلاقی اطفال تباه گردیده و در مخاطره بیفتند، در مواردی جرم شناخته است.

خودداری والدین از انجام وظایف تربیتی نسبت به اطفال

فراهم ساختن موجبات سلامت، تأمین جانی و اخلاقی و تربیت اطفال تکلیف ابوبین است و لذا مسئول به خطر افتادن امنیت اخلاقی اطفال والدین هستند. در حالی که در واقع عامل فساد و تباهی اطفال که آسیب‌پذیر هستند اغلب افرادی غیر از والدین هستند. اطفال حق برخورداری از تعلیم و تربیت دارند. در اجرای این امر، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب تیر ماه ۱۳۵۳، تحصیلات را اجباری و والدین را ملزم به تأمین هزینه تحصیلی آنان نمود. برابر ماده ۴ قانون مزبور، هر یک از پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از ۱۸ سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌ای مربوط از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مراجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کند به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد. هرگاه پس از ابلاغ حکم پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید یا پس از اجرای حکم

مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارند به حبس از یک سال تا ۳ سال و تأمین هزینه معاش و تحصیل کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد (روزنامه رسمی ۸۶۲۷ - ۱۳۵۳/۵/۲۹).

برابر ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ به کلیه جرایم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

تکدی به وسیله طفل صغیر (و یا غیر رشید)

برابر ماده ۷۱۲ ق.م.ا.ت هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی بدست آورده است مصادره خواهد شد. سپس ماده ۷۱۳ ق.م.ا.ت می‌گوید: «هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد».

ملاحظه می‌شود سوء استفاده از طفل صغیر موجب تباهی و فساد او در جامعه می‌گردد و در واقع طفل مزبور با سقوط در جرم تکدی به تدریج به ارتکاب سایر جرایم مالی و جنسی سوق داده می‌شود و این قبیل جرایم بر ضد شخصیت معنوی طفل است.

ایجاد مزاحمت نسبت به اطفال

ماده ۶۱۹ ق.م.ا.ت می‌گوید: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا به الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

این جرم همانند سایر انواع توهین مطلق است و مجنی علیه آن الزاماً زنان و اطفال و محل وقوع آن هم

اماکن عمومی و معابر است و با نبودن این دو شرط موضوع از شمول این ماده خارج است.

مبحث ششم - هتك حرمت منزل

مصونیت خانه مکمل امنیت جسمانی شخص است؛ به طوری که امنیت شخصی شامل جان و مال فرد وقتی تأمین است که خانه شخص نیز مصون از تعدی، تجاوز و تعرض باشد. هیچ کس نباید بتواند بدون اجازه صاحب خانه وارد منزل او بشود و یا خانه وی را بدون اجازه مقامات قضایی و بدون رعایت تشریفات قانونی مورد بازرسی قرار دهد.

اصل بیست و دوم قانون اساسی می‌گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.»

رکن قانونی جرم

ماده ۶۹۴ ق.ا.م.ت می‌گوید: «هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند.»

تحقق جرم مزبور منوط به شرط قبولی وجود منزلی است که مورد هتك حرکت واقع شده است. وجود منزل یا خانه نباید با مفهوم اقامتگاه در حقوق خصوصی اشتباه شود و به طور کلی منزل یا خانه مورد حمایت قانونی دارای دو جنبه مادی و حقوقی است.

بدین ترتیب، موقعیت و عینیت سکونت مورد حمایت قانونگذار، به شرح زیر قابل بررسی است:

خانه یا منزل در موضوع هتك حرمت شامل هر محل مسکونی اشغال شده به وسیله یک شخص است، یعنی: «محلی که شخص در آنجا اعم از این که عملاً ساکن باشد یا خیر، آنجا را بتواند خانه خود تلقی کند». بنابراین، ورود به یک محل فاقد وسایل زندگی که هیچ‌کس در آنجا زندگی نمی‌کند و از سکونت بعدی در آن

اثری نیست مشمول جرم هتک حرکت منزل نمی‌باشد. در حقوق فرانسه، با اجرای حکم تخلیه نسبت به فرد ساکن قبلی که مجدداً همان محل را اشغال کرده، تا وقتی که آن محل در عمل، محل مسکونی شخص دیگری نشده باشد، اشغال کننده مرتکب جرم هتک حرمت منزل نگردیده است. وجود وسایل زندگی در محل بهترین شاخص مسکونی بودن محل است.

عنوان حقوقی ساکن در محل مسکونی که از نظر حرمت منزل مورد حمایت قانونی قرار گرفته ممکن است مال منزل، مستأجر منزل مورد اجاره، مرتهن و یا حتی کسی باشد که فارغ از هر گونه قراردادی با اشخاص حقیقی یا حقوقی عملاً در محل مسکونی مستقر شده باشد. محل مسکونی ممکن است خانه، آپارتمان، کلبه چوبی، چادر افراد چادرنشین، یا کاروان در شرایطی باشد که مکان‌های مزبور در عمل به محل سکونت اختصاص یافته باشد، مانند دفتر یک مدرسه یا یک هتل که محل سکونت نگهبان هم باشد. همچنین قسمت مسکونی اختصاصی محل زندگی یک وزیر یا مدیر در وزارتخانه یا اداره مربوط. اطاق در هتل یا در بیمارستان، محل سکونت کسی است که آن را اجاره کرده و یا در آنجا مستقر شده است، البته برای مدتی که فرد در آنجا اقامت گزیده است.

حرمت محل بازداشت زندانی در سلول انفرادی یا عمومی مورد تردید است. زیرا زندانی در ایام توقف در زندان تحت نظر است و رفتار وی باید قابل کنترل باشد.

عنصر مادی جرم

ارتکاب جرم هتک حرمت منزل دیگری با توسل به وسایل مختلف غیرمتعارف و یا غیرمعمول عنصر مادی جرم مزبور را تشکیل می‌دهد. هتک حرمت منزل دیگری مستلزم احراز فقدان رضایت صاحب منزل برای ورود دیگری است و لذا در صورتی که صاحب منزل از ورود شخص به خانه راضی بوده و یا از نحوه رفتار وی موجبات فرض وجود رضایت قلبی برای ورود دیگری فراهم شود، تحقق جرم مزبور منتفی است.

به هر حال هتك حرمت منزل دیگری باید به طریق غیرمتعارف و غیرمعمول ارتکاب یافته باشد. حقوق فرانسه کسی را که سعی در ورود به منزل دیگری به عنف داشته باشد، در مرحله شروع به جرم مستوجب کیفر می‌داند و در عین حال جرم مزبور باید همراه با تداوم زمانی در صورت ارتکاب جرم تام باشد و لذا از نظر آیین دادرسی کیفری جرم مشهود مطرح می‌گردد. مصادیق رفتار غیرمتعارف و یا غیرمعمول ممکن است عملیات متقلبانه از طریق هجوم، حمله، تهدید، کتک کاری، اجبار و یا اکراه باشد. اکراه ممکن است با اعمال فشار روحی و اخلاقی بر صاحب منزل به نحوی باشد که وی را وادار به قبول داخل شدن دیگری به محل سکنی نماید. عملیات متقلبانه شامل هر نوع حيله یا تقلبی می‌گردد که منتهی به داخل شدن و حضور در منزل دیگری با فریب ساکن قانونی یا کسی شود که در غیاب صاحب منزل، از محل نگهداری می‌کند.

در صورتی که در منزل کسی نباشد، عملیات خشونت آمیز در هتك حرمت منزل نسبت به لوازم منزل ممکن است به کار برده شود به نحوی که صحنه حاکی از ورود غیر به منزل دیگری باشد، مانند تخریب دیوار و پرچین، بالا رفتن از نردبان، شکستن در و پنجره، استعمال کلیدهای ساختگی و غیره...

اصرار به نشستن روی سکو یا توقف در مقابل درب منزل غیر، علی‌رغم منع صاحب‌خانه در اجرای بند ۶ از ماده ۱ آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴ جرم و قابل مجازات است.

سرکشی و نگاه کردن عمدی از روی بام و دیوار و امثال آن به خانه دیگری در اجرای بند ۱۷ از ماده سوم آیین‌نامه مورد بحث جرم و قابل مجازات است. اکنون چنین عملی از مصادیق تظاهر به فعل حرام موضوع ماده ۶۳۸ ق.م.ا.ت می‌باشد.

عنصر معنوی جرم

جرم هتك حرمت منزل دیگری جرمی است عمدی. باید مرتکب به غیر قانونی بودن و فقدان حق ورود به منزل دیگری آگاه باشد. برای کسی که از پنجره خانه‌ای وارد منزل دیگری می‌شود، فرض حسن نیت در انجام

عمل ورود مردود است. انگیزه مرتکب اعم از شرافتمندانه یا غیر آن تأثیری در تحقق جرم ندارد.

مجازات

ماده ۶۹۴ ق.م.ا.ت مرتکب جرم هتک حرمت منزل یا مسکن دیگری را مستوجب ۶ ماه تا ۳ سال حبس دانسته است. جرم مزبور از جرایم مذکور در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. بوده و قابل گذشت است و لذا جز با شکایت شاکی خصوصی، تعقیب آغاز نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید تعقیب متوقف می‌گردد. تعدد مرتکبین در ایجاد خطر و وحشت به زیان ساکنین مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. به طوری که وقتی مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنان حامل سلاح باشد، مجازات ارتکاب جرم به حبس از یک سال تا شش سال افزایش می‌یابد.

مبحث هفتم - هتک حرمت مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی و افشای مطالب آنها

یکی از جرایم علیه شخصیت معنوی، هتک حرمت مراسلات یا مخابرات یا مطالبات تلفنی و افشای غیرمجاز مطالب متعلق به افراد است.

اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

جرایم علیه امنیت کشور

برای اعمالی که امنیت کشور را به خطر می‌اندازد ضمانت اجرای جزایی پیش بینی شده است. امنیت کشور گاهی با توسل به قدرت‌های خارجی و گاهی بدون دخالت عوامل خارجی ممکن است در معرض اعمال مخاطره آمیز قرار گیرد. در مواردی نیز اعمال مجرمانه مزبور به منظور براندازی حکومت یا دولت یا لطمه به

استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور انجام می‌شود.

بدین ترتیب جرایم بر ضد امنیت کشور به دو دسته عمده زیر تقسیم می‌شود:

۱- جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور

۲- جرایم بر ضد امنیت داخلی کشور

مبحث اول - جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور

قانونگذار اعمالی را که بر ضد استقلال و تمامیت ارضی و خیانت به میهن محسوب و موجب زیان و لطمه به دفاع کشور و مخل مناسبات خارجی مملکت با سایر کشورها گردد جرم و قابل مجازات دانسته است. خیانت، جاسوسی و اقدام علیه امنیت خارجی کشور عمده‌ترین جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور تحت عنوان فصل اول جرایم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور مواد ۴۹۸ به بعد ق.م.ا.ت به خود اختصاص داده است.

به علاوه تعدادی از جرایم علیه امنیت در کتاب دوم قانون مزبور تحت عنوان محاربه و افساد فی‌الارض، در مبحث حدود پیش بینی شده و موادی هم در این موضوع در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و چند قانون خاص دیگر به تصویب رسیده است.

در واقع این اعمال از مصادیق خیانت به کشور محسوب می‌شوند.

خیانت به کشور فعل عمدی یک فرد ایرانی و یا خارجی در خدمت دولت ایران و یا گروهی است که منافع یک قدرت بیگانه را در زمان صلح یا جنگ به زیان مملکت تأمین و امنیت کشور و نظام را به مخاطره اندازد.

بنابراین عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت به کشور عبارت است از:

الف) ملیت ایران یا تبعه بیگانه در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران

ب) خدمت آگاهانه و عمدی به نفع یک قدرت خارجی به زیان مملکت و علیه جمهوری اسلامی ایران

ج) ارتکاب اعمالی علیه کشور از قبیل نگهداری و حمل سلاح و قیام مسلحانه.

مهم‌ترین مصادیق قانونی جرایم مربوط به خیانت به کشور مواد ۲۷۹ و ۲۸۷ و ۲۸۸ ق.م.ا و ۵۰۸ ق.م.ا.ت می‌باشد که حاکی از قیام مسلحانه و همکاری با دولت خارجی با قصد بروز جنگ و دشمنی با دولت ایران، مساعدت و همکاری با دشمن، تسلیم، اسرار یا تصمیمات راجع به دفاع ملی یا نقشه به دولتی دیگر، حرق و تخریب اموال دولتی به منظور براندازی حکومت و فساد جرایم علیه امنیت در ارتباط با نظامیان، این قبیل اعمال برخلاف وظایف میهن پرستی و امانت بوده و امنیت خارج و داخلی کشور را به مخاطره اندازد.

مصادیق جرم خیانت به کشور عبارتند از:

قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی

شرط اساسی تحقق عمل، قیام مسلحانه است که غیر از جنگ است اعم از این که قیام به نتیجه برسد یا نرسد ولی شرط است قیام علیه حکومت باشد گرچه در ظاهر ادعا شود که قیام مزبور علیه رئیس دولت موجود وقت و برای سقوط دولت بوده است و نه علیه اصل نظام.

جرم قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی در فقه تحت عنوان «بغی» مطرح گردیده است. باغی اسم فاعل آن و به معنی متجاوز و متعدی از مرز خویش است. می‌توان گفت باغی کسی است که با توسل به زور و قدرت و برای تغییر نظام حکومتی و یا تغییر حکام فعالیت می‌کند و یا این که با اعتماد به قدرت از اطاعت کردن امتناع می‌ورزد.

برابر ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌شوند». ماده ۲۸۸ نیز در این زمینه مقرر می‌دارد «هرگاه اعضای گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و

در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند». به علاوه محارب نیز به کسی اطلاق می‌شود که به قصد جان و مال و ناموس مردم سلاح بکشد به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی).

مبحث دوم – جاسوسی و مصادیق آن

جاسوس در لغت به معنی جستجو کننده خبر برای بدی است. جمع آن جواسیس و با انگیزه خبر جستن در بدی است.

در قانون تعریفی از جاسوسی نشده ولی می‌توان گفت جاسوس به شخصی گفته می‌شود که تحت عناوین غیرواقعی و مخفیانه به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعات یا اشیائی باشد.

مبحث سوم – جرایم علیه امنیت داخلی کشور

در این دسته از جرایم منظور و هدف اصلی مرتکب، ضدیت با اساس حکومت و یا دولت وقت است که ممکن است به صورت تعرض و ضدیت نسبت به اعضای هیأت حاکمه با قصد نتیجه ضدیت با دولت و حکومت به عمل آید.